

اختلال‌های شخصیتی

شاید شما این کلمه را زیاد شنیده باشید و یا در مکالمات روزمره، آن را در وصف دیگران به کار برده‌اید که فلانی، فردی خودشیفته است. «خودشیفتگی» به معنای عاشق خود بودن است. رفتار و احساس طبیعی، این است که خود را دوست بداریم اما عاشق خود بودن، از هنجار و طبیعت خلق آدمی، به دور است و یک «بیماری» شناخته می‌شود.

«خودشیفتگی» اصطلاحی است که اولین بار «فروید» آن را به کار برد. اصطلاح «خودشیفتگی» برای بیان حالت افرادی به کار می‌رود که قدرت عشق‌ورزی‌شان به جای گرایش به سوی دیگران، به سوی خویش می‌باشد. این حالت بسیاری از کسانی است که «نوروتیک» یا «سایکوتیک» هستند؛ آنان منحصراً به خود مشغول‌اند و باور دارند که بالاتر از دیگرانند یا دست کم، مورد توجه همگان هستند.

واژه‌ی «نارسیسیسم» از نام «نارسیسوس»، یکی از اسطوره‌های یونانی گرفته شده است. «نارسیسوس» مرد زیبایی بود که مورد توجه بسیاری از زنان بود اما او نسبت به همه‌ی آنان، بی‌تفاوت بود و سبب اندوه‌شان می‌شد. برای مجازات او به دلیل بی‌رحمی‌اش، او را محکوم به آن کردند که فقط عاشق خودش باشد؛ یک‌روز هنگامی که «نارسیسوس» خم شده بود تا یک جرعه آب از یک برکه بنوشد، عکس خود را در آب دید و عاشق آن شد. در این لحظه بود که دریافت دیگران همان احساسی را که اینک او نسبت به خود یافته، به او داشته‌اند. او نمی‌توانست نگاه از تصویر خود در آب برگردد؛ در نتیجه دچار غم عشق به خود شد و در کنار برکه، از این اندوه جان داد.

(نارسیسیستیک) خودشیفته اختلال شخصیت

علائم اختلال شخصیت خودشیفته

- احساس بزرگ‌منشی مبنی بر مهم بودن دارد.
- با خیال‌پردازی‌های مربوط به موفقیت نامحدود، قدرت، زیرکی، زیبایی یا عشق آرمانی، اشتغال ذهنی دارد.
- معتقد است که استثنائی و بی‌همتاست و تنها افراد طبقه‌ی بالا می‌توانند او را درک کنند و باید با افراد استثنائی سطح بالا، ارتباط داشته باشد.
- نیازمند تحسین افراطی است.
- احساس محق بودن دارد؛ یعنی انتظارات غیرمنطقی برای رفتار مطلوب از سوی دیگران یا موافقت حتمی با خواسته‌های خود دارد.
- در روابط بین‌فردی استثمارگر است؛ یعنی از دیگران برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند.
- فاقد حس همدلی است.
- رفتارها یا نگرش‌های تکبرآمیز و خودخواهانه نشان می‌دهد.

ویژگی‌های تشخیصی

ویژگی اصلی اختلال شخصیت خودشیفته، الگوی فراگیر بزرگ‌منشی، نیاز به تحسین و فقدان همدلی است که از اوایل بزرگسالی آغاز و در زمینه‌های گوناگون، ظاهر می‌شود.

افراد مبتلا به این اختلال، یک حس بزرگ‌منشی مبنی بر مهم بودن دارند. آنان به‌طور معمول، توانایی‌های خود را بیش از اندازه برآورد می‌کنند و مهارت‌های خود را بزرگ جلوه می‌دهند، اغلب مغرور و پرمعده‌به‌نظر می‌رسند و با شادمانی تصور می‌کنند که دیگران ارزش همانندی را برای کوشش‌های آنان قائل‌اند و هرگاه تمجیدی را که



فکر می‌کنند سزاوار آند دریافت‌نکنند، ممکن است شگفت‌زده شوند. اغلب در قضاوت‌های مغرورانه از مهارت‌های خود، مهارت‌های دیگران را به‌طور ضمنی کم‌تر از اندازه برآورد می‌کنند (بی‌ارزش کردن). آنان اغلب با خیال‌پردازی‌های مربوط به موفقیت نامحدود، قدرت، استعداد برجسته، زیبایی یا عشق آرمانی، اشتغال ذهنی دارند. آنان ممکن است درباره‌ی تحسین و امتیازی که مدت‌هاست به تأخیر افتاده، اشتغال ذهنی داشته باشند و خود را به‌گونه‌ای دل‌خواه با افراد مشهور یا ممتاز مقایسه کنند.

افراد مبتلا به اختلال شخصیت «خودشیفته» معتقدند که برتر، استثنائی یا بی‌همتا هستند و از دیگران انتظار دارند که آنان را به همین صورت در نظر بگیرند. ممکن است احساس کنند که تنها افراد استثنائی یا از طبقه‌ی اجتماعی بالا، می‌توانند آنان را درک کنند و فقط باید با آن‌گونه اشخاص ارتباط داشته باشند و ممکن است ویژگی‌هایی چون «بی‌همتا»، «کامل» و «سرآمد» را به اشخاصی که با آنان ارتباط دارند، نسبت‌دهند. افراد مبتلا به این اختلال، معتقدند که نیازهای‌شان استثنائی و فراسوی بینش افراد معمولی‌ست.

ویژگی‌ها و اختلال‌های همراه

آسیب‌پذیری عزت‌نفس افراد مبتلا به اختلال شخصیت «خودشیفته»، موجب می‌شود که آنان نسبت به «آسیب» ناشی از انتقاد یا شکست، خیلی حساس باشند. اگرچه ممکن است ظاهراً این حساسیت را نشان‌دهند اما انتقاد موجب می‌شود که احساس پستی، سرافکنندگی، پوچی و تهی‌بودن نمایند. آنان ممکن است به این بی‌اعتنایی با تکبر، خشم و نافرمانی، واکنش نشان‌دهند. در این افراد، روابط بین‌فردی معمولاً به علت مشکلات ناشی از احساس محقق‌بودن، نیاز به تحسین و عدم توجه نسبی به حساسیت‌های دیگران، آسیب می‌بیند. اگرچه ابراز جاه‌طلبی تکبرآمیز و گستاخی زیاد، ممکن است به پیشرفت زیاد منجر گردد اما عملکرد فرد به‌علت عدم تحمل انتقاد یا شکست، مختل می‌شود. گاهی کارکرد شغلی پایین می‌آید و به‌صورت عدم اشتیاق فرد برای خطرکردن در موقعیت‌های رقابتی یا سایر موقعیت‌هایی که در آن‌ها امکان شکست وجود دارد، ظاهر می‌شود. اختلال شخصیت «خودشیفته»، همچنین با بی‌اشتهایی عصبی و اختلال‌های مرتبط با مواد (به‌ویژه مرتبط با کوکائین) همراه است. اختلال‌های شخصیت نمایشی، مرزی، ضداجتماعی و پارانویایی، ممکن است با اختلال شخصیت «خودشیفته» همراه باشند.

تشخیص افتراقی

■ بزرگ‌منشی، بارزترین ویژگی در تمایز اختلال شخصیت «خودشیفته» از اختلال‌های شخصیت نمایشی، ضداجتماعی و مرزی‌ست. افتخار افراطی به پیشرفت‌ها، فقدان نسبی ابراز هیجان و اهانت به حساسیت‌های دیگران در تمایز اختلال شخصیت «خودشیفته» از اختلال شخصیت «نمایشی» کمک می‌کند.

■ افراد مبتلا به اختلال‌های شخصیت «خودشیفته» و «ضداجتماعی»

از نظر گرایش به یکدندگی، چرب‌زبانی، سطحی‌بودن، استمارگری و ناهمدلی، شبیه هم هستند. با وجود این، اختلال شخصیت «خودشیفته» لزوماً شامل ویژگی‌های تکانش‌گری، پرخاش‌گری و فریب‌کاری نیست. ■ در اختلال شخصیت «خودشیفته» و اختلال شخصیت «وسواسی - جبری»، فرد ممکن است به کمال‌گرایی اعتراف کند و معتقد باشد که دیگران نمی‌توانند کارها را به خوبی او انجام دهند. برخلاف انتقاد از خود در افراد مبتلا به اختلال شخصیت «وسواسی - جبری»، افراد مبتلا به اختلال شخصیت «خودشیفته» بیش‌تر اعتقاد دارند که به کمال رسیده‌اند. معمولاً سوءظن و انزوای اجتماعی، افراد مبتلا به اختلال شخصیت «اسکیزوتیپی» یا «پارانویایی» را از افراد مبتلا به اختلال شخصیت «خودشیفته» متمایز می‌کند. هنگامی که این صفات در افراد مبتلا به اختلال شخصیت «خودشیفته» ظاهر می‌شود، عمدتاً به‌دلیل ترس از آشکارشدن عیوب یا نقاط ضعف است. بیش‌تر افراد بسیار موفق، صفات شخصیتی دارند که ممکن است «خودشیفته» به‌نظر آیند. تنها هنگامی که این صفات انعطاف‌ناپذیر، ناسازگارانه و پایدار باشند و اختلال کارکردی قابل ملاحظه یا پریشانی ذهنی را موجب شوند، اختلال شخصیت «خودشیفته» تلقی می‌گردد.

درمان اختلال خودشیفته

کسانی که به این اختلال دچار هستند، به‌ندرت به‌دنبال درمان خویش می‌روند. این افراد معمولاً با توصیه و تشویق افراد خانواده و یا به‌منظور درمان عوارض ناشی از این اختلال، درمان را شروع می‌کنند.

■ روان‌درمانی:

روان‌درمانی فردی، می‌تواند به‌نحو مؤثری برای درمان این اختلال به‌کار رود؛ هرچند فرآیند آن پیچیده و زمان‌گیر است.

روان‌درمانی اختلال شخصیت «خودشیفته» دشوار است چون برای پیشرفت درمان، این افراد باید دست از تمایلات خودشیفتگی بردارند تا بتوانند با درمان‌گر رابطه برقرار نمایند که این امر، مستلزم بینش و آگاهی بیمار نسبت به رفتار و تفکر خود است. این بینش در اصل وجود ندارد و اگر هم به مشکل خود بینش پیدا کنند، به‌دنبال آن تصویر متلاشی‌شده‌ی خود، موجب می‌شود که دوباره رفتار و تفکر خودبزرگ‌بینی را در پیش بگیرند.

■ دارودرمانی:

همراه با روان‌درمانی، استفاده از ضدافسردگی‌ها برای تحمل بهتر احساس طردشدن و نوسانات خلقی، مفید است.

منبع: DSM-IV-TR



مریم یوسفی

کارشناس روان‌شناسی عمومی